بگیریم، همچون کســی که در باتلاقی با دســت و پا زدن بیشتر و سریعتر غرق خواهد شــد، به نابودی خود کمک کرده‌ایم. اعتماد اجتماعی شــاید هنوز ممکن باشــد؛ اما نه به شکل و شــیوه‌ای که قرن‌ها از آن گذشته است. متأسفانه درک نکردن این مســئله چاره‌ای جز متوسل شدن به روش‌های آمرانه و خشونت‌آمیز به‌مثابــه روش‌هایی که همواره در کوتاه مدت می‌توانند پاســخگو باشــند، باقی نمی‌گذارد؛ اما در میان مدت مخرب‌ترین روش‌ها هســتند و درســت به صورت معکوس عمل می‌کنند.

در جامعه ایرانی فاکتور دین در تحول نسلی، چقدر قدرتِ ایفای نقش دارد؟

عامل دین در جامعه ایران بسیار اهمیت دارد و یکی از بزرگ‌ترین منابعی است که می‌توانیم از آن برای جلوگیری از فروپاشی نظام اجتماعی و ارزشی استفاده کنیم؛ اما این امر در تضادی هرچه بزرگتر با اصرار ورزیدن بر مناسکی و صوری کردن دین و در برابر آن کنار گذاشــتن محتواهای عمیق دینی قرار داده شــده اســت. اگر فکری به حال این انحراف بزرگ نکنیم، بدون شــک پا در جاده‌ای می‌گذاریم که در انتهایش پرتگاهی هولناک قرار دارد.

مهم‌تریــن و ســریع‌ترین ابــزار بــرای تغییــر هدفمنــد و برنامه‌ریزی‌شده نسل آینده از نظر شما چیست؟

ســرعت در اینجا چندان معنایی ندارد؛ به این دلیل ســاده که تغییرات کنشی و ذهنی ولو آن‌که با سرعت تغییری سطحی بکنند، با همان سرعت و یا حتی بیشتر بار دیگر از عمق جایگزین خواهند شــد و چه بســا که این بار شکل و محتوایی بسیار سخت‌تر و آسیب‌زاتر از گذشته خود نیز داشته باشند؛ بنابراین از سرعت و کارهای اراده‌گرایانه باید پرهیز کرد؛ اما مهم‌ترین ابزار به نظر من، مسئولیت دادن هرچه بیش از پیش به «سوژه» و به «خانواده» و به‌طور کلی به گروه‌ها و جماعت‌های مدنی به جای ادامه به روش تصدی‌گری دولت بر همه چیز است.

مثالی بزنــم: امروز تقریباً در هیچ کجای دنیا اگر از یکی دو کشــور کمونیســت بگذریم، دولت‌ها تــلاش نمی‌کنند که مصرف رسانه‌ای مردم را در دست داشته باشند و از طــرق آمرانــه این یا آن رســانه را ممنوع کنند. به دو دلیل:

اول نــاکارآ بــودن این مســئله اســت. هیچ نوع ممنوعیتی امروز از لحاظ فناورانه قابل پیاده کردن نیست؛ بنابراین کار به ممنوعیت فناورانه محدود نشده و لزوماً بخش بزرگی از انرژی جامعه را صرف اعمال آمرانه، محاکمه و مجازات شــهروندانی می‌کند که به این ترتیب وارد تنش با سیســتم می‌شوند و بی‌جهت پیاده نظامی خواهند شد برای هر کسی که بخواهد آن سیستم را به هم بریزد.

دلیل دوم هم اینکه ممنوعیت‌های آمرانه در موج دوم خود، بعد از آن‌که به ظاهر از یک کنش جلوگیری می‌کنند، بر اثر فرایند واکنش به شدت همان کنش را تقویت می‌کنند و بنابراین رویکردهای آمرانه و تصدی‌گری دولتی در ایــن زمینه در واقع راهی نه برای جلوگیری از انتقال میراث منفی از یک نسل به نسل دیگر، بلکه راهی برای تسهیل و سرعت بخشــیدن به این کار اســت؛ از این رو بهترین ابزار افزایش آزادی‌های فردی و اجتماعی همراه با مسئولیت‌پذیری هرچه بیشتر شهروندان است. در چنین حالتی بدون شــک ممکن است در کوتاه‌مدت جامعه دچار برخی مشکلات و افراط‌ها شود؛ اما در میان‌مدت و درازمدت به اهداف خود دست می‌یابد.

آیا ممکن اســت مدل و الگوی مشــخصی را برای تربیت نسل آینــده بــا ویژگی‌های ســازگار با زیســت‌بوم ایران پیشــنهاد فرمایید؟

الگوی مشــخصی وجود ندارد؛ زیرا ایران کشــوری بســیار خاص است. هم از لحاظ ژئوپلیتیک آن، هم از لحاظ میزان تکثر فرهنگی‌اش و هم از لحاظ تکثر سبک‌های زندگی و نسلی و سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی. با وجود این، قرار داشتن ما در خاورمیانه در میان کشورهای اسلامی، در میان کشورهای در حال توسعه و ابزارها و چشم‌اندازهای ما برای بهبود هرچه سریع‌تر موقعیت مادی و غیرمادی شهروندانمان، مشخصاتی هستند که امروز در برخی دیگر از کشورها با تمدن‌های باستانی نظیر چین و هند نیز دیده می‌شود.

به نظر من در مقایسه این دو کشور، مدل چینی مدلی بسیار بد است؛ زیرا دقیقاً به راه سرمایه‌داری آمریکایی رفته و نتیجه این امر نیز دیر یا زود احتمالاً به‌صورت انفجاری بزرگ در این کشور ظاهر خواهد شد؛ انفجاری که جهان را نیز به خطر خواهد انداخت، چون این کشور تبدیل به کارخانه صنعتی دنیا شده است. مدل هندی به دلیل فقر بسیار زیاد این کشور، با موفقیت کمتری همراه بوده است اما این موفقیت به جای آن‌که مثل چین در ظاهر و در مناطق خاصی همراه باشد، به‌صورت دموکراتیک در این کشــور توزیع شده اســت و توسعه در درازمدت و به‌صورتی پایدار برنامه‌ریزی شــده اســت؛ از این رو فکر می‌کنم این مدل خوبی می‌تواند باشد.

در عرصــه‌ای دیگــر، برخــی از تجربیات در مــدل ترکی توســعه و سیاســت‌های اجتماعی، با توجه به اســلامی‌بودن و رو به توسعه بودن، تجربه این کشور نیز می‌تواند برای ما تأمل‌برانگیز باشــد. امریکای لاتیــن نیز از بُعدی کاملاً متفاوت مثلاً در رشــد علم به نظر من مدل خوبی است.

به هر حال، بیشــتر از آن‌که به دنبال مدل باشیم، بهتر است کــه در فکر تحلیــل دقیق وضعیت خودمان باشــیم و بتوانیم خودمــان را مدیریــت کنیــم. در طول تاریخ، ایران خود به دیگر سیستم‌ها مدل می‌داده اســت و امروز نیز باید به همین ســو حرکت کنیم و نه آن‌که چشممان به دست دیگران باشد؛ بنابراین استفاده از تجربیات دیگران بسیار خوب است؛ اما تقلید از کشورهای سرمایه‌داری متأخر مثل آمریکا و سیاســت‌ها نولیبرالی آن‌ها، به‌منزله خودکشی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی اســت که اگر انجام شــود، بدون شــک این کشور را به باد خواهد داد.